

## پژوهشی درباره اجناس زکوی

محمدحسن حایری استادیار  
دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

نگارنده در این نوشتار پس از نقل اقوال فقهای فریقین درباره حکم اجناس زکوی، به ذکر دلایل هر قول و نقد و بررسی آنها پرداخته و هدف اصلی وی، کاوش پیرامون این موضوع و پاسخ به این پرسش است که: آیا وجوب زکات اموال در همان نه چیز (انعام ثلاثه، غلات اربعه و نقدین) منحصر است و یا اینکه در دیگر اموال مستحب است و یا اصلاً زکات نیست حکم آن چگونه است؟

واژه‌های کلیدی: زکات، صدقه، انفاق، اجناس زکوی، مال التجاره، تمرکز ثروت.

### ۱- بیان دیدگاهها

دیدگاه مشهور امامیه

مشهور فقهای امامیه، زکات را در همان اشیاء نه گانه (انعام ثلاثه، غلات اربعه و نقدین) منحصر دانسته‌اند و در غیر آن، مانند مال التجاره و... قائل به استحباب زکات هستند.

صاحب جواهر پس از نقل اختلاف در مسئله مال التجاره یادآور شده است: «قول به استحباب (زکات مال التجاره) صحیح‌ترین بلکه مشهورترین قول است و حتی ابن زهره در این مورد اجتماع امامیه را از انتصار نقل کرده است<sup>(۱)</sup>. به عبارت دیگر سیدمرتضی



قول به استحباب را از منفردات امامیه دانسته است. صاحب مدارک ضمن نفی وجوب زکات در غیراز نه مورد، دیدگاه علمای امامیه را در زکات مال التجاره مختلف دانسته و قول به استحباب را به اکثر آنها از جمله، مفید، طوسی، سیدمرتضی، ابن عقیل و... نسبت داده است.<sup>(۱)</sup>

ابن ادریس وجوب زکات در نه چیز را مذهب اهل بیت علیهم السلام دانسته و دربارهٔ مال التجاره اظهار داشته است: «زکات در مال التجاره واجب نیست، نه در خود آن و نه در قیمت آن» وی عدم وجوب را قول صحیح از میان اقوال امامیه دانسته است.<sup>(۲)</sup>

شیخ طوسی، عدم وجوب را دیدگاه محصلین از اصحاب امامیه دانسته است.<sup>(۳)</sup>

از فقهای امامیه، شهید اول<sup>(۴)</sup>، قطب راوندی<sup>(۵)</sup>، محقق ثانی<sup>(۶)</sup>، فاضل مقداد<sup>(۷)</sup>، نراقی<sup>(۸)</sup>، طباطبایی یزدی<sup>(۹)</sup> و... نیز با عباراتی مشابه به انحصار زکات در نه چیز و عدم وجوب زکات در مال التجاره تصریح کرده‌اند.

#### دیدگاه غیرمشهور امامیه

گروهی از فقهای امامیه، چنانکه از نقل اقوال طرفداران دیدگاه مشهور نیز استفاده گردید، زکات را در نه چیز منحصر ندانسته‌اند و از جمله، زکات مال التجاره را واجب دانسته‌اند. نسبت قول به عدم وجوب به مشهور به طور ضمنی دلالت دارد بر اینکه در میان امامیه قول به وجوب نیز وجود دارد.

گروهی از فقها به این مطلب تصریح هم کرده‌اند. شیخ طوسی اظهار داشته است: «در میان امامیه، کسانی زکات را واجب دانسته‌اند، به شرط اینکه مشتری، برای خرید آن با سود یا به قیمت خریداری شده، وجود داشته باشد»<sup>(۱۰)</sup>.



۱- عاملی، سیدمحمد، مدارک الاحکام، ۴۹/۵. ۲- ابن ادریس حلی، السرائر، ۴۴۲/۱-۴۴۵.

۳- طوسی، محمدبن الحسن، الخلاف، ۹۱/۲. ۴- ر.ک: شهید اول، محمد، الدروس.

۵- راوندی، سعید، فقه القرآن، ۲۲۰/۱. ۶- محقق ثانی (کرکی)، علی، جامع المفاصد، ۲۵/۳.

۷- فاضل مقداد، التنقیح الرائع، ۳۱۴/۱. ۸- نراقی، احمد، مستندالشیعه، ۱۴/۲.

۹- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، المردة الوثقی، ۱۲۴/۲.

۱۰- طوسی، محمدبن الحسن، الخلاف، ۹۱/۲. نیز ر.ک: محقق حلی، شرائع الاسلام، ۱/۱۳۰، ۲. ابن ادریس حلی، السرائر، ۴۴۵/۱.

ابن ادریس نیز این قول را به گروهی از اصحاب نسبت داده که معتقدند باید مال‌التجاره را باطلا و نقره قیمت‌گذاری کرد و با شرط حلول حول، زکات آن را پرداخت<sup>(۱)</sup>.

از قدمای اصحاب، ابن عقیل هرچند خود، عدم وجوب را برگزیده، اما قول به وجوب را به طایفه‌ای از شیعه نسبت داده است.

از فقهای اقدمین که بزرگان، قول به وجوب را به وی اسناد داده‌اند، صدوق است که عین عبارت او چنین است: «اذا كان مالک فی تجارة و طلب منک المتاع برأس مالک و لم تبعه بتبغی بذالک الفضل فعلیک زکاته اذا حال علیه الحول و ان لم یطلب منک المتاع برأس مالک فلیس علیک زکاته»<sup>(۲)</sup>. اگر مال خود را در تجارت به کارگرفتی و آن را به مقداری که خریده‌ای از تو می‌خرند، اما آن را نفروختی و منظورت (از نگهداشتن) افزایش سود و بالا رفتن قیمت بود، در صورتی که سال بر آن بگذرد، زکات آن بر تو (واجب) است. اما اگر به کمتر از سرمایه از تو می‌خرند زکاتی در آن نیست. (هرچند سال بر آن بگذرد).

عبارت صدوق در وجوب صراحت ندارد اما انصافاً ظهور آن قوی است؛ زیرا عبارت «علیک» در وجوب ظهور دارد. چنانکه اشاره خواهد شد والد صدوق نیز همین دیدگاه را برگزیده است.

شهید اول قول به وجوب زکات در زیتون و روغن آن و غسل را به ابن جنید نیز نسبت داده است<sup>(۳)</sup>.

### دیدگاه غیرامامیه

در میان فقهای غیرامامیه، پیروان مکتب ظاهریه، دیدگاه مشهور امامیه را برگزیده‌اند و زکات را در مال‌التجاره واجب ندانسته‌اند<sup>(۴)</sup>.  
اما جمهور اهل سنت قائل به وجوب شده‌اند، هرچند از عبارت ابن حزم چنین

۱- ر.ک.: بحرانی، یوسف، الحدائق، ۱۲/۱۴۸. ۲- ابن بابویه، محمد، من لایحضره الفقیه، ۱۱۲/۲.

۳- شهید اول، محمدالدروس، ۲۲۸/۱. ۴- ابن حزم اندلسی، علی، المحلی، ۳۹/۴.



استفاده می‌شود که شافعی در یک قول خود، زکات را در مال‌التجاره واجب نمی‌داند<sup>(۱)</sup>. ابن رشد، ضمن بیان وجوب زکات در معدن، طلا، نقره و... عباراتی دارد که در آنها وجوب زکات مال‌التجاره را مفروغ؛ عنه گرفته است<sup>(۲)</sup>. ابن قدامه<sup>(۳)</sup>، جزیری<sup>(۴)</sup> و وهبه زحیلی<sup>(۵)</sup> نیز وجوب زکات در نزد مذاهب اهل سنت را مسلم گرفته‌اند.

البته ابن قدامه این دیدگاه را یکی از دو دیدگاه شافعی دانسته است<sup>(۶)</sup>. قرطبی در این مورد ادعای عدم خلاف کرده است<sup>(۷)</sup>.

سرخسی<sup>(۸)</sup>، ضمن اسناد قول به وجوب به «عامه اهل سنت»، قول به عدم وجوب را به نافیان قیاس نسبت داده است که ظاهراً منظور وی عموم فقهای امامیه و اهل ظاهر مانند داود و ابن حزم اندلسی هستند. ظاهراً با این باین، اشاره ضمنی دارد به اینکه دلیل اصلی وجوب از منظر اهل سنت، قیاس است.

### جمع‌بندی اقوال

(الف) مشهور فقهای امامیه زکات را در نه چیز واجب دانسته‌اند و در غیر آنها از جمله مال‌التجاره، آن را واجب ندانسته‌اند.

(ب) دیدگاه غیرمشهور امامیه از جمله، شیخ صدوق عدم انحصار و وجوب زکات در مال‌التجاره است.

(ج) دیدگاه جمهور فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت وجوب است هر چند کسانی یکی از دو قول شافعی را عدم وجوب دانسته‌اند.

(د) دیدگاه اهل ظاهر مانند داود و ابن حزم همان دیدگاه غیرمشهور امامیه است.



۱- ابن حزم اندلسی، علی، المحلی، ۳۹/۴. ۲- ابن رشد، محمد، بدایة: لمجتهد، ۲۵۸/۱.

۳- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ۵۹/۳.

۴- جزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربه، ۶۰۶/۱.

۵- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، ۲۷۰/۲. ۶- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ۵۹/۳.

۷- سرخسی، محمدالمبسوط، ۱۹۰/۲. نیز زک: ماوردی، علی، الاحکام السلطانیة، ص ۱۱۹، ابویعلی،

الاحکام، السلطانیة، صص ۱۲۶-۱۲۸. ۸- قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۲۴۶/۸.

## ۲- ادله اقوال و بررسی آنها

ادله قائلان به عدم وجوب زکات در مال التجاره

الف) روایات

مهمترین دلیل دیدگاه مشهور فقهای امامیه، روایات است. شیخ طوسی (ره) در خلاف اظهار داشته است: «دلیل ما روایاتی هستند که در دو کتاب خود (تهذیب و استبصار) ذکر کردیم و نیز روایتی که در آن آمده است زکات در نه چیز است، براین مطلب دلالت دارد؛ زیرا مال التجاره از این نه چیز خارج است.»<sup>(۱)</sup>

صاحب مدارک پس از ذکر روایاتی که ظاهر آنها بر لزوم زکات در صاحب مال التجاره دلالت می‌کند، می‌نویسد: «روایاتی که در آنها زکات در نه چیز منحصر شده است، دلالت می‌کنند بر اینکه این اوامر (به زکات در مال التجاره) برای استحباب است.»<sup>(۲)</sup>

بنابراین در پاره‌ای از اخبار، موارد زکات تنها همان نه جنس ذکر گردیده است؛ برای نمونه صدوق با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: «چون آیه زکات یعنی آیه: «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها»<sup>(۳)</sup> نازل گردید، در ماه رمضان، رسول خدا به منادی خود دستور داد به مردم اعلان کند که خدای متعال زکات را بر شما واجب کرده، چنانکه نماز را واجب کرده است؛ بنابراین بر شما واجب کرده است که از طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش زکات بپردازید. این مطلب در ماه رمضان اعلام شد و (زکات) در غیر این نه چیز را عفو کرد.»<sup>(۴)</sup>

در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) براین نه جنس زکات قرار داده است؛ راوی پرسید: ذرت چطور؟ امام صادق (ع) خشمگین شد و فرمود: همه اینها، ذرت، کنجد و... نیز در عصر رسول خدا (ص) بوده است، راوی اظهار داشت: برخی معتقدند که اینها در آن روزگار نبوده است؛ امام (علیه السلام) فرمود: دروغ می‌گویند؛ اگر اینها در آن زمان نبود، چگونه پیامبر (ص) پرداخت زکات در آنها را مورد عفو قرار داد؟ آیا عفو جز از چیزی است که وجود دارد؟



۱- طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، ۲/۹۲. ۲- عاملی، محمد، مدارک الاحکام، ۵/۵۱-۵۲.

۳- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۶/۳۲.

۴- توبه، ۱۰۳.

امام (ع) سپس تأکید فرمود که جز بر این نه چیز زکات واجب نیست<sup>(۱)</sup>. صاحب «وسائل» روایات بسیار دیگری را نیز آورده است که در آنها اجناس واجب الزکات نه چیز ذکر شده است و نه بیشتر<sup>(۲)</sup>. نراقی، صاحب جواهر<sup>(۳)</sup> و از متأخران آیه الله خوانساری<sup>(۴)</sup> و... نیز برای عدم وجوب به این اخبار استدلال کرده اند.

دسته دیگر روایاتی هستند که از آنها عدم وجوب زکات در مال التجاره استفاده می شود و صاحب مدارک نیز بدانها استناد کرده است<sup>(۵)</sup>؛ از جمله روایتی که شیخ الطائفه با سند خویش از زراره نقل کرده است که: در محضر امام باقر (ع) فرمود: ای زراره! ابوذر و عثمان در زمان رسول خدا (ص) درباره زکات اختلاف کرده اند، عثمان می گفت: هر مالی که از طلا و نقره باشد و با آن تجارت شود در صورتی که سال بر آن بگذرد، زکات در آن واجب است اما ابوذر می گفت: در اموال تجارت زکات نیست، زکات در صورتی واجب است که مالی به عنوان گنج کناری نهاده شود که اگر سال بر آن بگذرد زکات در آن واجب است. (به دنبال این اختلاف) دعوی خود را به حضور رسول خدا (ص) بردند. حضرت فرمود: سخن (صحیح) همان است که ابوذر می گوید<sup>(۶)</sup>. بنابراین محتوای این حدیث، رسول خدا (ص) نظر ابوذر را که همان عدم وجوب زکات در مال التجاره و اموال در جریان است، تأیید و تصویب فرموده است. تقریب استدلال هم روشن است و نیازی به توضیح ندارد.



### ب) اصل

دلیل دیگر قائلان به عدم وجوب زکات (در مال التجاره) اصل است. شیخ طوسی (ره) در این مورد اظهار می دارد: «همچنین (به هنگام اختلاف میان وجوب یا عدم وجوب زکات در مال التجاره) اصل، برائت ذمه است و دلیلی هم بر اینکه در مال التجاره زکات واجب است، وجود ندارد.»<sup>(۷)</sup> صاحب جواهر پس از نقل قول مشهور مبنی بر انحصار

۱- همانجا، ۳۳/۶.  
 ۲- حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۳۲/۶-۳۸.  
 ۳- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ۷۰/۱۵-۷۵.  
 ۴- خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک، ۱۲/۲.  
 ۵- عاملی، سیدمحمد، مدارک الاحکام، ۵۱/۵.  
 ۶- حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۴۹/۶.  
 ۷- طوسی، محمدبن الحسن، الخلاف، ۹۲/۲.

زکات در نه جنس اظهار می دارد: «این دیدگاه از عبارت غنیه هم استفاده می شود؛ به دلیل اصل عدم وجوب و روایاتی که موارد وجوب زکات را در نه چیز منحصر کرده اند.»<sup>(۱)</sup>

تقریر اصل نیز روشن است: پرداخت زکات امری است خلاف اصل؛ اصل این است که احدی نباید مجبور باشد مال خود را به عنوان زکات به دیگری بپردازد. برای خروج از این اصل به دلیلی نیاز داریم و ادله وجوب زکات نیز تنها بر خروج آن نه چیز از این اصل دلالت دارند. بنابراین، دیگر اموال از جمله مال التجاره در تحت این اصل باقی می ماند و زکات در آنها واجب نخواهد بود.

صاحب ریاض<sup>(۲)</sup> و فاضل مقداد... نیز برای اثبات عدم وجوب زکات در مال التجاره به اصل استناد کرده اند.

### ج) آیه کریمه

فاضل مقداد ضمن تمسک به اصل برائت به آیه کریمه «الایسالکم اموالکم»<sup>(۳)</sup> نیز استناد کرده است. و عموم این آیه را شاهی برای عدم وجوب زکات در غیر نه چیز دانسته است<sup>(۴)</sup>. چنانکه از عبارت وی استفاده می شود وی در حقیقت این آیه را پشتوانه اصل قرار داده است.

### د) اجماع

صاحب ریاض، اجماع های منقول را یکی دیگر از ادله انحصار زکات در نه چیز و عدم وجوب در غیر آنها، از جمله مال التجاره ذکر کرده است.<sup>(۵)</sup> این ادعا در عبارت دیگر فقها دیده نشد.

۱- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ۷۳/۱. ۲- طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، ۵۵/۵.

۳- محمد، ۳۶. ۴- فاضل مقداد سیوری، کتوالعرفان، ۲۲۳/۱.

۵- طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، ۵۵/۵.

## ادله قائلان به عدم انحصار

در این بخش به ادله‌ای پرداخته شده که به نوعی بر عدم انحصار دلالت دارند خواه ادله و خواه زکات در مال التجاره یا غیر آنها.

## ۱- اجماع

چنانکه پیشتر گذشت طرفداران عمده و قائلان اصلی به وجوب زکات در مال التجاره جمهور اهل سنت هستند. یکی از ادله آنها اجماع است. ابن رشد<sup>(۱)</sup>، سرخسی<sup>(۲)</sup>، ابن قدامه و... با عباراتی مشابه به اجماع فقهای اهل سنت در این مورد تصریح کرده‌اند. رشید رضا و جوب در مال التجاره را به جمهور دانشمند ملت نسبت داده است<sup>(۳)</sup>. ابن قدامه اظهار داشته است: «اهل علم اجماع دارند بر اینکه در کالاهای تجارتي، اگر سال بر آنها بگذرد زکات بر آنها واجب است و فقیهانی چون حسن، جابر و... این دیدگاه را برگزیده‌اند»<sup>(۴)</sup>.

## ۲- روایات

## الف) روایات جمهور

- ۱- ابن قدامه و جوب را از عمر، پسرش عبدالله و ابن عباس روایت کرده است<sup>(۵)</sup>.
- ۲- روایت سمره بن جندب «کان رسول الله (ص) یأمرنا ان تخرج الزکاه مما نعدده للبیع»<sup>(۶)</sup>

## ب) روایات امامیه

روایت‌های معتبر بسیاری از طریق امامیه در دست است که در آنها به پرداخت زکات در مال التجاره امر شده است و فقهای امامیه درباره آنها به طور متفاوت اظهار نظر کرده‌اند. در این جا به ذکر دو روایت بسنده می‌شود:

۱- ابن رشد، محمد بداية المجتهد، ۲۵۸/۱.  
 ۲- سرخسی، محمد، البسوط، ۱۹۰/۲.  
 ۳- رشید رضا، المنار، ۵۰۹/۱۰.  
 ۴- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ۵۸/۳.  
 ۵- همانجا.  
 ۶- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ۵۸/۳.





۱- سعید اعرج از امام صادق (علیه السلام) پرسید: ما روغن زیتون و روغن را نگهداری می‌کنیم و هدف ما از این نگهداری تجارت است و اتفاق می‌افتد که یک یا دو سال نزد ما می‌ماند؛ آیا زکات در آنها واجب است؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر برای خرید آنها به شما سودی می‌دهند یا آن را به همان مقدار که خریده‌ای از تو می‌خرند (و در عین حال نگه داشته‌ای) زکاتش بر تو لازم است؛ اما اگر علت نگهداری آن این است که می‌خواهند کمتر از آنچه خریده‌ای از تو بخرند، زکات بر تو لازم نیست؛ مگر اینکه تبدیل به طلا و نقره شوند؛ که در این صورت زکات همان سالی که در آن تجارت کرده‌ای واجب است<sup>(۱)</sup>.

۲- ابی ربیع شامی از امام صادق (علیه السلام) درباره مردی که کالایی را خریده بود، اما آن کالا دچار کساد شده بود، و آن مرد پیش از این خرید، زکات مالش را داده بود، از حضرت سؤال کرد: آیا زکات بر او واجب است یا (واجب نیست) تا آن را بفروشد؟ حضرت فرمود: اگر نگه داشته تا به بیش از قیمت خرید بفروشد، زکات بر او لازم است<sup>(۲)</sup>. مضمون این روایت تقریباً همان مضمون روایت پیشین است.

روایات با این مضمون متعدد است. حر عاملی آنها را تحت عنوان «باب استحباب الزکاة فی مال التجاره...» نقل کرده است<sup>(۳)</sup>.

این روایت‌ها از حیث سند و کثرت در حدی است که قائلان به عدم وجوب زکات در مال التجاره نیز در سند و اعتبار آنها کمترین تردیدی نکرده‌اند و تنها در صدد توجیه آنها برآمده‌اند.

### بررسی ادله

ابتدا دو دلیل مورد استناد اهل سنت به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- اجماع، هر چند اصولیین امامیه نیز اجماع را به عنوان یکی از ادله استنباط پذیرفته‌اند اما چنان که در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است، اجماع معتبر در نزد امامیه با اجماعی که اهل سنت آن را معتبر دانسته‌اند تفاوت اساسی دارد.

۱- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۴۶/۶. ۲- همانجا.

۳- همانجا.



اجماعی که امامیه آن را حجت دانسته‌اند اتفاق نظر آن دسته از امامیه است که کاشف از قول یا رأی معصوم (ع) باشد<sup>(۱)</sup> و اجماع یاد شده به هیچ وجه این ویژگی را ندارد.

۲- درباره روایت دوم، نیاز به توضیح نیست که سمره از راویان جمهور است که در نزد محدثان و علمای رجال و فقیهان امامیه از خبیث‌ترین افراد در تاریخ اسلام است. لجاجت و خباثت‌های او در ماجرای مرد انصاری که به بیان حدیث «لاضرر ولاضرار» از سوی رسول خدا (ص) منجر شد و دیگر جنایتها حتی قتل عام‌هایش در تاریخ مشهور است. علمای رجال امامیه از او به عنوان «معاند» یاد کرده‌اند<sup>(۲)</sup>. روایت اول نیز به معصوم (ع) مستند نیست و چنین روایتی را امامیه فاقد اعتبار می‌دانند.

#### بررسی ادله دیدگاه مشهور امامیه

دلیل اول این دیدگاه (روایات) به دلیلی که بدان اشاره خواهد شد، بعداً بررسی خواهد شد. بنابراین ابتدا سه دلیل دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- اصل: قابل انکار نیست که اصل در مرتبه بعد از اماره است، از اینرو گفته‌اند «الاصل دلیل حیث لادلیل». بنابراین باید دید دلایل قول به عدم انحصار از چه قوتی برخوردار است. اگر آن دلایل بتوانند در برابر قول به انحصار مقاومت کنند، جایگاهی برای اصل باقی نمی‌ماند، در غیر این صورت، اصل عدم وجوب حاکم خواهد بود.

۲- آیه کریمه؛ «لاسالکم اهلکم»<sup>(۳)</sup> با عموم یا اطلاقی که دارد بر عدم وجوب دلالت دارد. عمومی که به طور قطع تخصیص خورده است، باید دید آیا ادله وجوب در غیر نه چیز از حیث سند و دلالت در حدی هستند که بتوانند متخصص این عام یا مقید این مطلق باشند یا خیر؟ اگر اعتبار آن ادله، که بعداً بررسی خواهند شد، ثابت نشود، اطلاق آیه جز در موارد نه گانه که قطعاً از آن خارج شده است. همچنان باقی خواهد ماند.

۳- اجماع - وضعیت اجماع روشن است، زیرا اولاً با توجه به مطالبی که گذشت اتفاق نظر فقها ثابت نیست، حتی شیخ طوسی که در خلاف، در موارد بسیاری، مخالفت



۱- ر.ک: حکیم، محمدتقی، العامة الفقه المقارن، ص ۲۶۸-۲۶۹.

۲- ر.ک: خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ۳۰/۸، ۳۵۰/۸. مامقانی، تنقیح المقال، ۶۸/۲.

۳- محمد، ۳۶.

شماری از اصحاب را نادیده می‌گیرد و ادعای اجماع می‌کند، در این مسئله مدعی اجماع نشده و تنها به روایات و اصل استدلال کرده است.

با تأمل در عبارات اصحاب که به بعضی از آنها اشاره شد می‌توان استناد کرد که به جز ابن جنید و صدوقین کسان دیگر نیز با نظر مشهور مخالفند. و ثانیاً با وجود این همه روایت، آیه و اصل، اجماع مدرکی است و نمی‌تواند به عنوان دلیلی مستقل مورد استفاده قرار گیرد.

### بررسی ادله قول به عدم انحصار

پیش از بررسی روایات دال بر انحصار، ابتدا روایاتی که بر عدم انحصار دلالت دارند و ذکرشان گذشت و اقوال در مورد آنها بررسی خواهد شد، سپس به دلایل و مؤیدات دیگری که ممکن است برای این مطلب مورد استفاده قرار گیرند، پرداخته می‌شود، در پایان بین این ادله و روایات انحصار، سنجش صورت خواهد گرفت تا ببینیم ترجیح با کدام است.

### بررسی روایات مال التجاره

فقهای طرفدار انحصار برای این روایات دو توجیه عمده ذکر کرده‌اند:

#### الف) استحباب

غالب این فقها روایات مزبور را بر استحباب زکات در مال التجاره حمل کرده‌اند؛ شهید اول ضمن اسناد قول به وجوب به صدوق و پدر وی به استحباب تصریح کرده است<sup>(۱)</sup>. فاضل مقداد بعد از بیان این مطالب که مستند صدوق و پدرش روایت ابی‌الربیع شامی<sup>(۲)</sup> از امام صادق (ع) است آن را بر استحباب حمل کرده است<sup>(۳)</sup>.

صاحب مدارک ضمن پذیرش وجود روایات فراوانی که در آنها به زکات مال التجاره امر شده است، همه آنها را بر استحباب حمل کرده است. دلیل وی برای این توجیه،

۲- حرعاملی، محمد وسائل الشیعه، ۴۵/۶.

۱- شهید اول، محمدالدروس، ۲۳۸/۱.

۳- فاضل مقداد، التنضیح الرائع، ۳۰۱/۱.



روایاتی است که بر انحصار زکات در نه چیز دلالت دارند<sup>(۱)</sup>. عبارتهای دیگر فقها نیز با انسداد اختلاف به همین معنا اشاره دارد و حمل بر استحباب را بهترین توجیه دانسته‌اند<sup>(۲)</sup>.

### ب) تقیه

صاحب حدائق پس از اسناد قول به وجوب به صدوق و والد وی و نسبت قول به استحباب به مشهور اصحاب، حمل اخبار مزبور بر استحباب را نپذیرفته و یادآور شده است که منشاء اصلی قول به استحباب شیخ است و اصحاب هم چنانکه روش و عادت ایشان است از شیخ پیروی کرده‌اند<sup>(۳)</sup>. صاحب حدائق سپس ضمن پذیرفتن ظهور اخبار یاد شده در وجوب، وجود تقیه در مورد آنها را بعید ندانسته است. وی این توجیه را به فیض کاشانی، در وافی نیز نسبت داده است<sup>(۴)</sup>. درباره دو توجیه یاد شده می‌توان گفت:

۱- چنان که صاحب حدائق نیز یادآور شده است<sup>(۵)</sup> استحباب نیز (همانند وجوب) یک حکم شرعی است و اثبات آن به دلیل روشن نیاز دارد و تعارض اخبار را نمی‌توان دلیلی برای حمل بر استحباب دانست. به ویژه اینکه در تعدادی از این روایات تعبیر «علیک» آمده که ظهور آن در وجوب، حداقل در بسیاری از موارد بیشتر از ظهور امر در وجوب است.



۲- حمل بر تقیه نیز در صورتی موجه است که حمل روایات بر ظاهرشان ممکن نباشد. ظاهر روایات یاد شده وجوب است. باید دید با توجه به دلایل و مطالب آینده آیا حفظ این ظاهر امکان دارد یا خیر؟

۱- ر.ک. عاملی، محمد، مدارک الاحکام، ۵/۴۹-۵۲.

۲- ر.ک.: مفید، محمدبن نعمان، المقنعه، ص ۲۴۷، راوندی سعید، فقه القرآن، ۱/۲۲۰: علامه حلی، حسن، تذکره الفقهاء، ۱/۲۲۷، نراقی، احمد، مستند الشیعه، ۲/۴۱: محقق حلی، شرائع الاسلام، ۱/۱۳۰ و....

۳- بحرانی، یوسف الحدائق الناضرة، ۱۲/۱۴۸. ۴- همان، ۱۲/۱۴۹-۱۵۰.

۵- بحرانی، یوسف، الحدائق الناخره، ۱۲/۱۴۹.

### دلایل و مؤیدات دیگر

#### ۱- روایاتی که بر ثبوت زکات در اسب دلالت دارند

از جمله روایت صحیح<sup>(۱)</sup> محمد بن مسلم و زراره از امام باقر و امام صادق علیهما السلام که فرمودند: «وضع امیرالمؤمنین علی الخیل العتاق الراعیه فی کل فرس فی کل عام دینارین و جعل علی البرازین دیناراً»<sup>(۲)</sup> و روایات متعدد دیگر به همین مضمون<sup>(۳)</sup>. مشهور فقها این روایات را نیز بر استحباب حمل کرده‌اند<sup>(۴)</sup> اما واژه «وضع» و «جعل» آن هم از امام علی(ع)، به عنوان رئیس حکومت اسلامی، ظهور قوی در وجوب دارد. چه تفاوتی است میان واژه «وضع» در این روایت معتبر (و صحیح) با همین واژه در حدیث امام صادق(ع) که فرمود: وضع رسول الله(ص) الزکاة علی تسعه اشیاء و عفی عما سوی ذالک...»<sup>(۵)</sup>

#### ۲- عموم آیه زکات

جمع مضاف در آیه «خذ من اموالهم صدقه...»<sup>(۶)</sup> دلالت بر عموم و حداقل اطلاق دارد. از سویی بعید نیست بتوان از روایاتی که بر وجوب زکات در نه چیز دلالت دارند استفاده کرد که انتخاب این نه چیز از سوی رسول خدا(ص) به این دلیل بوده که این اقلام، تقریباً عمده اموال مردم در آن زمان را تشکیل می‌داده‌اند. به عبارت دیگر رسول خدا(ص)، به عنوان رهبر و حاکم امت اسلامی، زکات را بر این نه چیز که عمده اموال مردم را تشکیل می‌داد، قرار دارد و از بقیه عفو فرمود. واژه «عفی» برای این بیان مؤید خوبی است؛ اگر زمینه وجوب زکات در دیگر اموال موجود نباشد عفو معنا پیدا نمی‌کند. مؤید دیگر وضع زکات بر اسبها توسط امیرالمؤمنین(ع) است که روایت آن گذشت.

#### ۳- جایگاه بلند زکات

زکات در متون اسلامی بویژه قرآن کریم از جایگاهی بس رفیع برخوردار است و از

۱- اگر روایت ابراهیم بن هاشم را «حسنه» ندانیم.

۲- حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۵۱/۶.

۳- حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۵۱/۶.

۴- محقق حلی، شرایع الاسلام، ۱۳۰/۱.

۵- حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۳۳/۶.

۶- توبه، ۱۰۳.



«زکات» بیش از سی بار در قرآن کریم تکرار شده و این جز مواردی است که از آن با واژه‌های صدقه، انفاق و ... یاد شده است. مانند «اقیموا الصلاه و آتوا الزکاه و ارکعوا مع الراجعین»<sup>(۱)</sup>.

ظاهراً در قرآن کریم بعد از نماز هیچ موردی تا این اندازه مورد تأکید جدی قرار نگرفته است. حتی به جا آوردن حج و صوم، با همه اهمیتی که دارند و با همه تأکیدهایی که نسبت به آنها صورت گرفته است، از این جهت با زکات در قرآن و سنت قابل مقایسه نیستند، در روایت معروف و معتبر (صحیح) زراره از امام باقر(ع) زکات در جایگاه بعد از نماز و صوم و حج قرار گرفته است:

«بنی الاسلام علی خمسہ اشیاء علی الصلاه و الزکاه و اصوم و الحج و الولایه»<sup>(۲)</sup>.

امام علیه السلام در ادامه همین حدیث، دلیل جایگاه زکات بعد از نماز و قبل از بقیه را ذکر آن در کنار نماز در قرآن کریم ذکر کرده است.

در روایات متعددی مانع زکات، همانند تارک نماز<sup>(۳)</sup> کافر به شمار آمده است. مانند روایت ابوبصیر از امام صادق(ع) «من منع قیراطاً من الزکاه فلیمت ان شاء یهودیاً او نصرانیاً»<sup>(۴)</sup>.

البته درباره حج نیز روایاتی با مضامینی مشابه وارده شده است<sup>(۵)</sup>. اما منافاتی با مطلب مورد بحث ما در اینجا ندارد.

همه اینها حکایت از اهمیت فوق‌العاده و نقش اساسی زکات در جامعه اسلامی می‌کند. راز این همه اهتمام، چنانکه از آیات و روایات نیز استفاده می‌شود، دو چیز است که هر کدام از آن دو اگر برای عدم انحصار دلیل نباشد مؤید خوبی خواهد بود:

### الف) پر کردن خلاءهای اقتصادی و فقر در جامعه اسلامی

در این که یکی از آثار و اهداف تشریح زکات، پر شدن خلاءهای یاد شده است تردیدی وجود ندارد. امیرالمؤمنین(ع) در حدیثی فرمود: «خداوند آذوقه فقیران را در

۲- اصول الکافی، ۱۸/۲.

۱- بقره، ۴۳.

۳- ر.ک: حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۲۵۳/۱۱.

۴- ر.ک: حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۱۸/۶.

۵- همان، ۱۶/۸-۱۹.



اموال ثروتمندان قرار داد، هیچ فقیری گرسنه نمی ماند جز از این ناحیه که ثروتمندی حقوق آنان را پرداخته است»<sup>(۱)</sup>.

امام صادق(ع) نیز در حدیثی صحیح<sup>(۲)</sup> فرمود: خداوند برای فقرا در اموال ثروتمندان حقوقی که آنان را کفایت کند، قرار داده است، اگر این مقدار را کافی نمی دانست، بیشتر قرار می داد. کمبود فقرا از ناحیه تشریح و واجبات الهی نیست بلکه از ناحیه کسانی است که آنان را از حقوق مسلمشان باز داشته اند... اگر مردم حقوق فقرا را می پرداختند همگی به خیر و خوبی زندگی می کردند<sup>(۳)</sup>.

از این گذشته، مستفاد از قرآن و سنت این است که زکات از منابع مالی اصلی دولت اسلامی است. دستور به اخذ زکات در آیه کریمه «خذ من اموالهم صدقه»<sup>(۴)</sup>. و سیره پیامبر اسلام(ص) و امیرمؤمنان در فرستادن کارگزاران زکات برای جمع آوری زکات و متمرکز ساختن آن در بیت المال و نیز گستردگی موارد مصرف زکات در آیه کریمه «انما الصدقات الفقراء والمساكين والعاملین علیها...»<sup>(۵)</sup>. شاهد بلکه دلیل این مدعاست. بنابراین زکات نیز در کنار انفال، فی و... جزء اموال عمومی از ارکان بودجه نظام اسلامی است که باید با آن اقتصاد کشورهای اسلامی سرو سامان یابد.

از سویی مخاطب آیات زکات، به اعتراف همه مسلمین، تمام مسلمانان در همه اعصار هستند، با توجه به این حقایق غیرقابل انکار، آیا انحصار زکات در نه چیز، که امروزه درصد بسیار پائین از اموال مردم را تشکیل می دهد بویژه با توجه به شرایط خاصی چون، سائمه بودن و... می تواند پاسخگو باشد و آن خلأها را پر و این اهداف بسیار مهم را تأمین نماید؟

### ب) تطهیر و تزکیه ثروتمندان

از آیات و روایات، از جمله آیه «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها»<sup>(۶)</sup> به خوبی استفاده می شود که یکی از اهداف بسیار بلند و اساسی تشریح و دریافت زکات،

۱- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۱۶/۶. ۲- اگر روایت ابراهیم بن هاشم را حسنه ندانیم.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، ۱۹۳/۳.

۴- توبه، ۱۰۳. ۵- توبه، ۶۰.

۶- توبه، ۱۰۳.



تزکیه و تهذیب نفس ثروتمندان است. به عبارت دیگر، همان طور که فقرا به دریافت زکات نیازمندند، اغنیا نیز در راستای انسان شدن و تهذیب نفس به پرداخت زکات نیاز دارند. در آیه فوق تنها به این راز و حکمت دریافت زکات تصریح شده است. آیه کریمه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ»<sup>(۱)</sup> نیز شاهد دیگری برای این حقیقت است که یکی از اهداف بلند تشریح زکات (و انفاق) تزکیه و تربیت ثروتمندان است. هرچند ظاهراً، انفاق در این آیه مفهومی فراتر از زکات متعارف دارد اما در هر صورت زکات را نیز دربر می‌گیرد.<sup>(۲)</sup>

پر واضح است که انحصار زکات در نه چیز بویژه در این دوران بخش قابل توجه بلکه بخش اعظم ثروتمندان را از این موهبتی که به عنوان غرض و فلسفه اصلی زکات مطرح شده است، محروم خواهد کرد.

#### ۴- عدم تمرکز ثروت

یکی از آفات بسیار خطرناک، چنانکه رشید رضا نیز یادآور شده است<sup>(۳)</sup>، تمرکز ثروت و گردش آن در میان عده‌ای محدود و معدود از ثروتمندان است، خدای متعال می‌فرماید: «کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم»<sup>(۴)</sup> تا این ثروتها تنها در میان ثروتمندان شما در گردش نباشد.

وجوب زکات گذشته از اینکه موجب بیرون رفتن بخشی از ثروت از اموال ثروتمندان می‌شود و در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد، به دلیل اشتراط حول (گذشت یک سال) در آن<sup>(۵)</sup>، موجب جلوگیری از تمرکز ثروت نیز می‌شود، زیرا ثروتمندان مجبورند برای اینکه ثروتشان پشت سر هم مشمول زکات نشود، ثروت خود را به گردش درآورند و در یک جا متمرکز نکنند.

در آیه «الذین یکتزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب

۱- آل عمران، ۹۲.

۲- ر.ک: طوسی، محمدبن الحسن، النبیان فی تفسیر القرآن، ۲/۹۳۰.

۳- رشیدرضا، المنار، ۵۹/۱۰.

۴- حشر، ۷.

۵- ر.ک: طوسی، محمدبن الحسن الخلف، ۲/۱۲، فخر المحققین، محمدبن الحسن، ابصاح الفوائد،





الیم»<sup>(۱)</sup> نیز عدم انفاق را عامل تمرکز ثروت دانسته است. شیخ طوسی تصریح کرده است که منظور از انفاق در این آیه، زکات است. وی در این باره اجماع صحابه و تابعین را نیز نقل کرده است<sup>(۲)</sup>. شکی نیست که همه مردم در همه اعصار باید از این آفت ویرانگر در امان باشند و انحصار زکات در نه جنس با این هدف نیز سازگار به نظر نمی‌رسد. اینها دلایل و مؤیداتی بودند که بر قول به عدم انحصار زکات در نه چیز تأکید می‌کنند و حداقل مؤید این دیدگاه هستند و این انگیزه را می‌توانند ایجادکنند که این مسئله به صورت جدی‌تری توسط اسلام شناسان و اندیشمندان عرصه فقهات مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مسئله‌ای که ممکن است همه این مطالب را زیر سؤال برد، وجود روایات متعددی است که در بعضی از آنها به وجوب زکات در نه چیز و در بعضی دیگر به عدم وجوب زکات در غیر این اشیاء تصریح شده است<sup>(۳)</sup>. در مورد این روایات نیز می‌توان گفت:

۱- بعضی از این روایات به نوعی مؤید عدم انحصار است مانند روایت «وضع رسول‌الله (ص) ... و عفی عما سوی ذالک»<sup>(۴)</sup> چنانکه گذشت.

۲- شاید راز روایاتی که در آنها به عدم وجوب زکات در برنج، حبوب، و ... تصریح شده است<sup>(۵)</sup>، با آنکه این اجناس در زمان پیامبر (ص) نیز وجود داشته است، این باشد که این اجناس در آن زمان مانند اجناس نه گانه، عمده اموال مردم را تشکیل نمی‌داده‌اند مخفی نیست که در این جهت بین عصر رسول خدا (ص) و عصر امامان علیه‌السلام تفاوتی وجود نداشته است. با توجه به دلایل و مؤیدات یاد شده این توجیهاات، برای جمع بین این دو دسته از روایات از حمل روایات عدم انحصار بر استحباب یا تقیه، موجه‌تر به نظر می‌رسد. والله‌العالم.

۱- توبه، ۳۴.

۲- طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۲۱۰/۵.

۳- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، ۳۲/۶-۳۸.

۴- همانجا.

۵- همانجا.



منابع

- ابن بابویه، محمد، من لایحضره الفقیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
- ابن حزم، علی المحلی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن رشد، محمد، بدایه المجتهد و نهایه القصد، قم، ۱۴۰۶ق.
- ابن قدامه، عبدالله المغنی، قاهره، ۱۳۸۸ ق.
- ابوعلی ابن فراد، الاحکام السلطانیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، به کوشش محمدتقی ایروانی، نجف، ۱۳۸۲ق.
- جزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربعه، مصر، المكتبه التجاریه الکبری، بی تا.
- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- حکیم محمدتقی، الاصول العامه للفقہ المقارن، موسسه آل بیت، قم، ۱۹۷۹.
- خوانسری، احمد، جامع المدارک، تهران، ۱۴۰۵ هـ
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مدینتہ العلم، ۱۴۰۳ هـ چاپ سوم.
- راوندی، سعید، به کوشش احمد حسینی، فقه القرآن، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- رشید، رضا، المنار، مصر، ۱۳۷۲ ق.
- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلتہ، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- سرخسی، محمد، المبسوط، بیروت، ۱۴۰۶ ق، ۱۹۸۶ م.
- شهید اول، محمد، الدروس الشرعیه، قم، ۱۴۱۳ق.
- شهید ثانی، زین الدین، مسالک الافهام، قم، ۱۴۱۳ق.
- صاحب جواهر، محمدحسن، جواهر الکلام، به کوشش محمود فوجانی، تهران، ۱۳۹۴ق، ۱۹۸۱ م.
- طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، قم، ۱۴۱۴ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۳۹۱ق.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، (ده جلدی)، بی تا.
- طوسی، محمد، الخلاف، به کوشش علی خراسانی و دیگران، قم، ۱۴۱۵ ق.
- همو، المبسوط، بیروت، دار الکتب الاسلامی، بی تا.
- عاملی، محمد، مدارک الاحکام، موسسه آل البیت(ع)، ۱۴۱۰ق.



- عاملی، محمدجواد، مفتاح الكرامه، موسسه آل البيت(ع)، بی تا.
- علامه حلی، حسن، تذکره الفقهاء قم، ۱۴۱۴ق.
- فاضل مقداد سیوری، التنقیح الرائع، به کوشش سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، ۱۴۰۴ق.
- همو، کنز العرفان، به کوشش محمد باقر بهبودی تهران، ۱۳۴۳ ش، ۱۳۸۴م.
- فخر المحققینی، محمد، البیاض الفوائد، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۹ هـ
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
- مامقانی، تنقیح المقال، تهران، انتشارات جهان، بی تا.
- ماوردی، علی، الاحکام السلطانیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
- محقق حلی، نجم الدین، شرائع الاسلام.
- محقق کرکی، علی، جامع المقاصد، قم، ۱۴۱۰ق.
- مقیدی، محمد، المقنعه، قم، ۱۴۱۰ق.
- نراقی، احمد، مستند الشیعه، چ رحلی، ۲ جلدی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی